

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیر دیور: دانیال معمار
مدیر تحریریه: مهدی علیپور
معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی
شاهین امین، حامد قوقانی
پروانه پرور: زناد
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو
شورنگار: مدیر: سوسمن برادران
دیور: فهیمه طباطبایی
اقتصاد: مدیر: محسن امین
مدیر: مریم موسوی پور
تماشاکو: مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
ایران‌شهر: مدیر: زهرا عباسی

تدرستی: مدیر: عباسی محمدی
دیور: مریم سرخوش
سرخ: مدیر: سوسمن برادران
مدیر: جواد عزیزتی
دیور: محمد جعفری
دانشگاه: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: محمد باقر پور
سرمین: مدیر: محمد باقر پور
فرهنگ‌شهر: مدیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی



حافظه شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند باسی که به بنگاله می‌رود

صفحه آخر

یادداشت روز

بی‌هنری نهادهای هنری

ناصر احدی | با اینکه تعریف هنر کار دشواری است، اما وقتی با انثری هنری مواجه می‌شویم، به تجربه می‌دانیم که هنر است. البته این مواجهه بسیار به محل این رویارویی بستگی دارد. در واقع اثر هنری بسته به محل عرضه‌اش ارزش پیدا می‌کند. مسلماً اثری که در یک حراجی معتبر چکش می‌خورد یا در موزه‌های شناخته‌شده به نمایش درمی‌آید، چه از نظر هنری و چه از نظر مالی، ارزش بیشتری دارد نسبت به اثری که روی دیوار خانه یکی از اقوام تان دیده‌اید یا در انبار گالری کم‌نام‌ونشناسی در حال خاک خوردن است. نهادهای هنری همچون موزه‌ها، گالری‌ها و دانشگاه‌های معتبر در دنیای هنر برای ما تصمیم می‌گیرند که چه چیزی را هنر بدانیم و چه چیزی را نه.

با اینکه می‌توان منتقد گفتمان حاکم بر فضای نهادهای هنری بود، اما اگر اثری در یک نهاد معتبر هنری به نمایش درآید، برای افرادی که در زمینه هنر تخصص ندارند، ایرادی ندارد که آن را هنر بدانند. مسلماً آثار هنری زیادی هرگز به نمایش در نمی‌آیند و کسی از وجودشان مطلع نمی‌شود، اما در دنیای گسترده آثار شناخته‌شده هنری ناچار از اعتماد به انتخاب‌ها و تصمیمات نهادهای هنری هستیم. نهادهای هنری معتبر به‌شکل مشخص، بودجه و قدمت‌شان امکان همکاری با هنرمندان ارزنده و معرفی آثارشان را دارند که بعداً است در غیبت این نهادهای چنین اتفاقی به‌صورت نظام‌مند رخ دهد. بنابراین اگر نهادها و مؤسسات هنری آثاری را که نازل بودن‌شان بر متخصصان اثبات شده به نمایش در آورند یا جز دلایل هنری و فرهنگی، مسائل دیگری را در نمایش آثار انتخابی‌شان دخالت دهند، باید انتظار داشت که از اعتبار و ارزش آنها کاسته شود و به سختی بتوانند جایگاه‌شان را در میان نهادهای هنری معتبر حفظ کنند.

در اینجا قصد نداریم از نهاد هنری خاصی نام ببریم که با برخی انتخاب‌ها و نمایشگاه‌هایش در ماه‌های گذشته یا در ماه‌های پیش‌رو جایگاهش نزد متخصصان زیر سؤال رفته است. اما سؤال اصلی این است چرا نهادها و مؤسسات هنری بر خوردار از بودجه عمومی با دقت و شناخت بیشتری کارشان را انجام نمی‌دهند؟ چرا نمایشگاه‌های این نهادها به کارهای روتین اداری شبیه شده که صرف خالی نبودن این مراکز مهم بر گزار می‌شوند و نتنها روی مخاطب عام اثری ندارند، بلکه جامعه هنری هم به آنها واکنش مثبتی نشان نمی‌دهند؟ چرا یک مرکز هنری معتبر باید ویدئو پروژکشنی را که مشابه‌اش در صفحات مجازی به وفور پیدا می‌شود و هر کس با نرم‌افزاری ساده می‌تواند مشابه‌اش را در خانه تولید کند، در نمایشگاهی نسبتاً ناقص و بی‌رسمی که جای خالی کیوریتور در آن به وضوح به چشم می‌آید، به نمایش بگذارد؟ آنچه از وضعیت کلی نهادهای هنری در شرایط کنونی استنباط می‌شود روزمرگی و رخت و ناشناسی یا مبادی هنر است که بهای آن از دست رفتن اعتبار این نهادهاست. اعتباری که از طرف چند دهه جمع شده و با ادامه این روند یکباره از کف خواهد رفت.

از ولی عصر ع تا هفت تیر

شادباش

تهران این جمعه میزبان جشن بزرگ دهه کرامت است



بزرگ خانوادگی امام‌رضایی‌ها هم از میدان ولی عصر (عج) تا میدان هفت تیر از ساعت ۱۶ تا ۲۲ روز جمعه، ۲۸ دیبهشت برگزار شود. یک گردهمایی بزرگ در میدان ولی عصر (عج) برپا خواهد شد و همزمان برنامه‌های شاد و مفرحی برای شما که قرار است در این تجمع شرکت کنید، برنامه‌ریزی شده تا حساسی به همه خوش بگذرد. اجرای نمایش و سرود و مسابقه‌هایی که

ولادت حضرت معصومه (س) را با کلی جشن به همین مناسبت روز دختر پشت سر گذاشتیم و در حالی که ولادت امام هشتم (ع) نزدیک می‌شود که قرار است کلی برنامه شاد و مفرح در دهه کرامت برگزار شود، اصلاً چه انگیزه‌ای بهتر از دهه کرامت برای جشن گرفتن و شادی کردن. سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران که همیشه برای برگزاری برنامه‌های مناسبی



فرهنگی ما ایرانیان هستند و هر کاری می‌کنند که ما در دست صحبت کنیم و فارسی را پاس بداریم. یکی از کارهای قابل تقدیر شهر داری تهران در همین زمینه، نصب بیلبوردهایی در سطح شهر است که روی این بیلبوردها به مردم آموزش داده شده که به جای کلمات انگلیسی که در زبان ما مصطلح شده یا کلمات عجیب و غریبی که خودمان ساخته‌ایم، از کلمات درست و حسابی فارسی استفاده کنیم. به هدر نرود.

پاراگراف فارسی خالص پیدا کرد. شاید اگر این شاعر بزرگ حلال‌زنده بود اینطور می‌سرود: که «بسی رنج بر دم در این سال سسی / که رنج برده باشم فقط، مرسی!»
زبان فارسی که یکی از کهن‌ترین زبان‌های زنده دنیاست، در طول سده‌ها دستخوش تغییرات زیادی شده و به همین دلیل است که عده‌ای از زبان‌شناسان و کارشناسان این حوزه، نگران این گنجینه ارز شمند و میراث

مرسی آقای فردوسی!



عکس روز در ستایش خانواده



اقوام عشایر، یک خانواده بزرگ هستند که از خانواده‌های کوچک شکل گرفته‌اند. برای آنها، هیچ چیز مهم‌تر از خانواده نیست و درشتان، پشتیان و هواخواه یکدیگر هستند. عکس‌ها: ایسنا

چهره روز



امید عباسی
آتش‌نشان
(۱۳۵۷-۲۵ دیبهشت ۱۳۹۲)

امید زندگی ریحانه

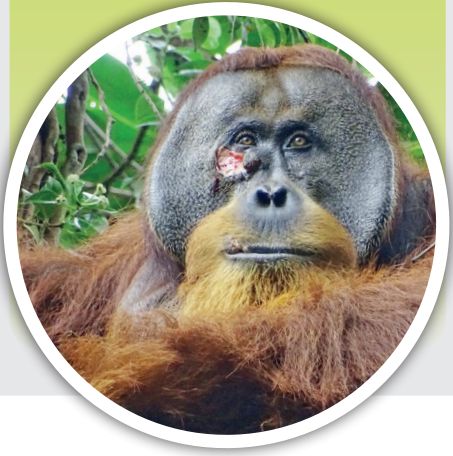
ستاد فرماندهی از آتش‌سوزی در طبقه دهم ساختمانی واقع در بزرگراه شهید باقری خبر داده بود، خدوشان را به سرعت رساندند، اما شدت شعله‌ها آنقدر زیاد بود که آسانسور کار نمی‌کرد، اسباب و تجهیزات امدادسانی را از پله‌ها بردند بالا و با هر ضرب و زوری شده آتش را خاموش کردند. یک مادر و دو فرزند از میان شعله‌های آتش نجات پیدا کردند اما دختر کوچکی همچنان داخل خانه بود و امکان فرار نداشت. به او گفتند، قول داد که نجاتش دهد. وارد خانه شد و جست‌وجو را آغاز کرد. ریحانه، دختر ۹ ساله ترسان و لرزان لبه پنجره ایستاده بود و داشت نقشه می‌کشید که خودش را به بیرون پرت کند که از پشت گرفتش و ماسکش را روی دهانش گذاشت. دخترک در اغوش آتش‌نشان جوان جان گرفت و از پله‌ها با بعد زندگی شد. گازهای مسموم اما ریحانه‌هاش را بر کرد و بعد از اینکه دخترک را تحویل مادرش داد، بیهوش شد. پزشکان از مرگ مغزی امید عباسی خبر دادند، اما قلبش هنوز می‌تپید چرا که مرگ پایان آتش‌نشان جوان نبود. او که در جیش کارت‌های اهدای عضو داشت، تک‌تک اعضای بدنش را تقدیم کسانی کرد که با بیماری دست و پنجه نرم می‌کردند. او امیدشان شد، امید حیات‌بخش زندگی‌شان.

گرنیویچ

خوددرمانی اورانگوتانی

سیدروس طباطبایی پور
نامش «راکوس» است اورانگوتانی ساکن اعماق جنگل‌های بارانی اندونزی با حدود ۱۰۰ کیلوگرم وزن که این روزها، تصاویرش در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. البته راکوس، مهربان و خوش‌تیپ است، اما به‌خاطر تیپ و قیافه‌اش، سرزبان نیفتاده، ترمیم زخمی عمیق در پای چشم راستش، او را تبدیل به اورانگوتانی منحصر به فرد کرده است.

درمان با گیاهان دارویی
مدتی پیش گروهی زیست‌شناس ساکن پارک ملی سوماترا، زخمی عمیق را پای چشم راست این جانور بومی اندونزی و مالزی مشاهده کردند، اما اتفاق حیرت‌آور، رفتار راکوس بود، رفتاری که از چشم دانشمندان پوشیده‌مانند، راکوس، بعد از مدتی کلافگی، حدود نیم‌ساعت، مشغول جویدن ساقه و برگ‌های گیاهی به نام «اکار کونینگ» شد، گیاهی دارویی که خواص ضدتورمی و ضدباکتریایی دارد و مردم محلی آن برای درمان دیابت و مالاریا استفاده می‌کنند. سپس به‌طور مکرر، این خمیر را روی زخم خود قرار داد و گاهی برگ‌هایش را هم روی صورتش می‌مالید و برای این کار، وقت قابل توجهی را اختصاص داد. حتی مشاهدات زیست‌شناسان نشان می‌دهد که راکوس، در طول مدت درمان، به شکلی آگاهانه، استراحت بیشتری می‌کرد. در نهایت زخم پای چشم او، بعد از حدود ۵ روز، کاملاً بسته و ترمیم شد. البته دانشمندان در گذشته حدس می‌زدند که برخی حیوانات برای درمان از گیاهان دارویی استفاده می‌کنند، اما این برای اولین بار است که با چشم خودشان می‌بینند موجودی در حیات وحش، بسا داروی گیاهی، خودش را درمان می‌کند؛ در حالی که از دیگر اورانگوتان‌های پارک ملی سوماترا، تا به حال چنین رفتاری سر نروده بود. این مشاهدات، نگاه دانشمندان را نسبت به حیات وحش و فواید گیاهان دارویی طبیعی، تغییر خواهد داد.



دغدغه

بیانریم گشت!



جنون بهار تمامی ندارد و ابرهای باران زا استان به استان در کشور می‌گردند و طراوت را به مردم هدیه کرده و البته گاهی هم سیلاب‌های گاه و بیگاه را روانه شهرها و روستاها می‌کنند. در این آب‌وهوا هم معمولاً چیزی که بیشتر از همه می‌جسبد، گشت و گذار در دل طبیعت است. مردم باروبندیل می‌پندند و یک رودخانه را نشان می‌کنند برای اتراق کردن و راه اندازی بساط چوبه کباب و دور هم بودن. اما همین سیلاب‌هایی که بحث‌شان رفت، رودخانه‌ها را هم از حالت آرامش خارج کرده و بالا آمدن آب رودخانه و خروشان شدنش هم که حتماً می‌دانید، خطرناک است. یعنی ممکن است همین که نشسته‌اید تا جوجه‌های کباب سیده را میل کنید، آب بیاید و سفره و متعلقاتش را با خودش ببرد. بنابراین طبق توصیه هواشناسی، بهتر است امروز را بیخیال بیرون رفتن و بیکنیک کردن شوید و دوروبر رودخانه هم پیدا نکنید. فکر آب‌تنی کردن در رودخانه را هم به کل از سرتان بیرون کنید که خطر غرق‌شدگی خیلی جدی تهدیدتان می‌کند. آنهایی هم که در شهرهای ساحلی زندگی می‌کنند یا به این شهرها سفر کرده‌اند، بهتر است امروز سمت دریا نروند و توصیه‌های ایمنی را جدی بگیرند.